



بوم‌شناسی تاریخی جریان‌های فکری

اصحاب ائمه علیهم السلام

(با تأکید بر دو مفهوم امامت و عقل)

(از ۹۵ تا ۲۶۰ ق)

دکتر محمدعلی چلونگر

(استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان)

دکتر مجید صادقانی

(پژوهشگر پژوهشکده تاریخ معاصر)

دکتر مصطفی پیرمرادیان

(دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۷

چلونگر، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

بوم‌شناسی تاریخی جریان‌های فکری اصحاب ائمه^{علیهم السلام} (با تأکید بر دو مفهوم امامت و عقل) (از ۹۵ تا ۲۶۰ ق) / محمدعلی چلونگر، مجید صادقانی، مصطفی پیرمادیان. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.

هشت، ۲۶۱ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۴۶۳: تاریخ: ۱۰۶)

بها: ۲۰۰۰۰ ریال

فهرستنامه براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه، ص. [۲۳۱] ۲۴۰ - همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. شیعه-کشورهای اسلامی-تاریخ. ۲. Shi'ah-Islamic Empire-History. ۳. شیعه امامیه-عقاید*. ۴. Doctrines-Imamate. ۵. امامت. ۶. عقل. ۷. Reason. ۸. الف. صادقی، مجید، ۱۳۶۲- ب. پیرمادیان، مصطفی، ۱۳۳۸- ج. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۲۹۷/۵۳

BP۲۲۹/ج۸۸ ب۹ ۱۳۹۷

شماره کتابشناسی، ملی،

۵۴۸۹۳۵۹



بوم‌شناسی تاریخی جریان‌های فکری اصحاب ائمه^{علیهم السلام} (با تأکید بر دو مفهوم امامت و عقل) (از ۹۵ تا ۲۶۰ ق)

مؤلفان: دکتر محمدعلی چلونگر (استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان)، دکتر مجید صادقانی (پژوهشگر پژوهشکده تاریخ معاصر) و دکتر مصطفی پیرمادیان (دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتضام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۰۰۰۰۰۱۱۱۱۱۰۰-۰۰۰۰۰۰۱۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمبر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اسکو، تلفن: ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یکسو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رهنما بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به « مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع اصلی و کمک درسی برای استادان و دانشجویان رشته‌های تاریخ اسلام و تاریخ تشیع در مقاطع تحصیلی ارشد و دکتری و علاقه‌مندان به تاریخ کلام شیعی قابل استفاده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهنده.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر، آقایان دکتر محمدعلی چلونگر، دکتر مجید صادقانی و دکتر مصطفی پیرمرادیان و نیز از ارزیاب محترم جناب آقای دکتر رسول رضوی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

١	مقدمه
فصل اول: کلیات	
٩	١-١. شرح و بیان مسئله.....
١٣	٢-١. تبیین مفاهیم کلیدی.....
١٧	٣-١. پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق.....
٢٢	٤-١. معرفی و نقد منابع.....
٢٢	٤-٤-١. تواریخ عمومی.....
٢٣	تاریخ طبری.....
٢٣	٤-٤-١. تواریخ محلی.....
٢٤	تاریخ مدینه دمشق.....
٢٤	تاریخ بیهقی.....
٢٤	تاریخ قم.....
٢٥	تاریخ بغداد.....
٢٥	٣-٤-١. کتب ملل و نحل.....
٢٥	المقالات و الفرق.....
٢٦	فرق الشیعه.....
٢٦	٤-٤-١. کتب رجال.....
٢٦	رجال برقی.....
٢٧	رجال کشی.....
٢٨	رجال نجاشی.....
٢٩	رجال طوسی.....
٣٠	رجال ابن غضائیری.....
٣٠	رجال ابن داود؛.....

٣٠	فوائد الرجالية.....
٣١	معجم رجال الحديث.....
٣١	١-٤-٥. كتب حديث.....
٣٢	بصائر الدرجات.....
٣٢	الكافى.....
٣٣	١-٤-٦. كتب اعتقادى.....
٣٣	الاعتقادات.....
٣٤	أوائل المقالات فى المذاهب و المختارات.....
٣٥	تصحيح الاعتقاد.....
٣٥	١-٤-٧. كتب فهرست.....
٣٦	الفهرست طوسى.....
٣٧	الفهرست ابن نديم
٣٧	الفهرست منتجب الدين.....

فصل دوم: بوم-شهر مدینه

٤٠	١-٢. نقل حديث شیعه در مدینه.....
٤٢	٢-٢. اصحاب مدنی آنمه <small>بلبل</small>
٤٧	٣-٢. زمینه های شکل گیری مكتب مدینه.....
٤٨	٤-٢. مدینه؛ میان عقل و نص.....

فصل سوم: بوم-شهر کوفه

٥٧	١-٣. نمایندگان امامت در کوفه.....
٥٩	٢-٣. عوامل شکل گیری غلو در کوفه.....
٦٢	٣-٣. دسته بندی های شیعیان در کوفه.....
٦٥	٤-٣. خاندان های شیعی کوفی.....
٦٩	٥-٣. ارتباط شیعیان کوفه با مكتب اهل رأى.....
٧٢	٦-٣. دوران رکود مكتب علمی کوفه (دوران مهاجرت علمای کوفه به بغداد).....
٧٣	٧-٣. ویزگی های کلی مكتب حدیثی کوفه.....
٧٧	٨-٣. زمینه های شکل گیری مكتب کوفه.....
٧٨	٩-٣. امامت در اندیشه اصحاب کوفی و مدنی.....
٨١	١-٩-٣. جریان جابر بن بزید جعفی و مفضل بن عمر جعفی.....
٩١	٢-٩-٣. جریان ابوالخطاب اسدی.....
٩٤	٣-٩-٣. جریان هشام بن حکم.....
١٠١	٤-٩-٣. جریان اکثریت.....
١٠٤	١-٤-٩-٣. هشام بن سالم جوالیقی و مؤمن الطاق.....

۱۰۵	۲-۴-۹-۳	۲. عبدالله بن ابی‌یعفور
۱۱۰	۳-۴-۹-۳	۳. ابان بن تغلب
۱۱۱	۴-۴-۹-۳	۴. زراة بن اعین
۱۱۲	۳-۰	۰. کوفه؛ پایگاه عقل‌گرایی

فصل چهارم: بوم-شهرهای قم و ری

۱۱۹	۱-۴	۱. قم
۱۲۳	۱-۱-۴	۱. اشعریان قم
۱۲۷	۱-۱-۴	۲. ویزگی‌های مکتب حدیثی قم
۱۳۰	۱-۱-۴	۳. چراجی تشکیل حوزه حدیثی قم
۱۳۲	۲-۴	۴. ری
۱۳۵	۱-۲-۴	۱. مشخصات کلی حوزه حدیثی ری
۱۳۷	۲-۲-۴	۲. تعامل حدیثی ری و قم
۱۳۸	۳-۲-۴	۳. اصحاب و ولای رازی آئمده لیلی
۱۳۹	۴-۲-۴	۴. چراجی شکل‌گیری حوزه حدیثی ری
۱۴۰	۴-۳	۵. امامت در اندیشه اصحاب قمی و رازی
۱۴۳	۴-۴	۶. نماد حدیث‌گرایی شیعی
۱۴۹	۴-۵	۷. معماهی حدیث‌گرایی در ری

فصل پنجم: بوم-شهرهای خراسان و ماوراء النهر

۱۵۴	۱-۵	۱. نیشابور
۱۵۹	۲-۵	۲. بیهق
۱۶۱	۳-۵	۳. بلخ
۱۶۳	۴-۵	۴. شهرهای ماوراء النهر
۱۶۵	۵-۵	۵. تعامل با اهل سنت
۱۶۸	۵-۵	۶. چراجی شکل‌گیری حوزه‌های حدیثی خراسان و ماوراء النهر
۱۶۹	۷-۵	۷. بررسی دیدگاه‌های حوزه نیشابور در باب امامت
۱۷۲	۸-۵	۸. عقل‌گرایی در خراسان و ماوراء النهر

فصل ششم: بوم-شهر بغداد

۱۸۷	۶-۶	۱. خاندان‌های شیعی بغداد و نقش آنان در شکل‌گیری حوزه حدیثی این شهر
۱۹۱	۶-۶	۲. تعامل شیعیان و معتزله بغداد
۱۹۶	۶-۶	۳. زمینه‌های حضور شیعیان در بغداد
۱۹۷	۶-۶	۴. امامپژوهی در بغداد
۲۰۱	۶-۶	۵. عقل‌گرایان بغدادی

۲۰۵	کلام آخر
۲۱۱	پی‌نوشت
۲۳۱	منابع و مأخذ
۲۴۱	پیوست

نمایه‌ها

۲۴۷	نمایه روایات
۲۴۸	نمایه اشخاص
۲۶۰	نمایه مکان‌ها

مقدمه

اثر حاضر با هدف شناسایی و فهم دو مورد از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین موضوعات کلام شیعی سامان یافته است: امامت و عقل. امامت را می‌توان مهم‌ترین اصل از اصول مذهب تشیع دانست و در کنار آن عقل نیز از جنبه‌ای ترین مفاهیمی است که شیعیان از صدر نخست تا امروز در باب آن سخن گفته‌اند. اگر این دو موضوع به صورت انتزاعی بررسی شود، تقریباً هیچ اختلافی در باب ارزش آنها مطرح نمی‌شود؛ اما اختلاف زمانی به وجود می‌آید که این هر دو در تعامل و چالش با دیگر موضوعات کلامی تحلیل شود؛ اصل امامت به خودی خود اصلی ترین پایه امتیاز شیعیان از دیگر فرق اسلامی است؛ امامتی که با علی بن ابی طالب^{علیه السلام} شروع می‌شود و با سلسله امامان یازده‌گانه^{علیهم السلام} پیوند می‌یابد. به عبارت دیگر می‌توان شیعه را کسی دانست که قائل به برتری ظاهری و باطنی علی بن ابی طالب^{علیه السلام} بر دیگر صحابه باشد و از این رو حکومت ظاهری و خلافت باطنی را حق ایشان بداند.

در این میان آنچه این یگانه عنصر ممتاز‌کننده شیعیان را محل اختلاف می‌کند، نوع برداشتی است که در شئون امامت توسط اصحاب مختلف شیعیان ارائه می‌شود؛ آنچه که این مجموعه در پی فهم آن است شئون و ابعادی است که شیعیان امامیه از زمان امام باقر^{علیه السلام} (۹۵ق) تا وفات امام عسکری^{علیه السلام} (۲۶۰ق) قائل به آن بوده‌اند؛ این شئون در موضوعاتی از قبیل علم و عصمت امام بیش از دیگر موارد، موجبات اختلافات درون‌گروهی را فراهم آورده است.

افزون بر این مسئله عقل نیز که هم در آیات قرآن و هم در احادیث شیعی مفهومی مطلوب و ستایش شده است نیز مسئله دیگر قابل بررسی است؛ اگرچه عقل و خرد به تنها بی درخور ستایش است؛ اما هنگامی که در برابر موضوع کلیدی دیگری به نام «نص» یا «حدیث» قرار می‌گیرد، آن هم (در نوع کاربرد آن) دچار اختلاف دیدگاه می‌شود.

این دیدگاه‌های مختلف البته در قالب مکانی متفاوت رویکردهای متفاوتی به خود می‌گرفته است؛ به این معنی که احتمالاً هر کدام از بوم-شهرهای اصلی اصحاب امامیه در دوران حضور، نسبت به دو موضوع امامت و عقل موضع خاصی داشته‌اند.

با این مقدمه، هدف اصلی پژوهش پیش رو پرداختن به سه پرسش کلیدی است:

بوم‌های مختلف اصحاب ائمه علیهم السلام براساس چه معیاری شکل گرفته است؟

بوم‌های مختلف اصحاب ائمه علیهم السلام چه تأثیری بر برداشت آنان از مفهوم امامت داشته است؟

عوامل تاریخی شکل‌گیری بوم‌های عقل‌گرای اصحاب ائمه علیهم السلام چه بوده است؟

به همین صورت برای رسیدن به پاسخ مناسب، ابتدا بوم-شهرهای مختلف اصحاب ائمه علیهم السلام که هر کدام دارای جریان فکری خاصی بوده‌اند، شناسایی و پس از آن دو مفهوم امامت و عقل نیز ذیل هر یک از بوم-شهرها بررسی شده‌اند. البته برای شناسایی بوم-شهرهای اصحاب ائمه علیهم السلام نیاز به مقدماتی بود که پرداختن به هر یک از آنها ضروری می‌نمود. بر این اساس شهرهایی مورد تحقیق قرار گرفته‌اند که در درجه نخست محل زندگی اصحاب ائمه علیهم السلام باشند و در گام بعدی جریان‌های فکری خاصی در آنها شکل گرفته باشند. در واقع این مجموعه در نظر ندارد تا جغرافیای شیعه را در دوره زمانی خاصی، مورد تدقیق و نگارش قرار دهد، بلکه هدف اصلی آن، شناخت بوم‌هایی است که اصحاب ائمه علیهم السلام به دفعات به آنجا رفت‌وآمد داشته‌اند و یا در آن ساکن شده باشند و در مرحله دیگر، این سکونت و مهاجرت، منجر به شکل‌گیری مدرسه فکری خاصی شده باشد؛ به‌گونه‌ای که بتوان بوم-شهر مورد نظر را دارای مدرسه یا حوزه یا مکتب فکری خاصی دانست. موارد پیش‌گفته برای رسیدن به پرسش نخست کتاب طراحی شده‌اند. ناگفته پیداست که اگر چنین محدودیت‌هایی وجود نداشت، می‌بایست بسیاری بوم-شهرهای دیگری نیز که محل زندگی اتباع شیعه بودند (مانند: آوه و طبرستان) و همچنین شهرهایی که محل زندگی اصحاب بودند؛ اما منجر به تشکیل مکتبی خاص نشده بودند (مانند: یمن) نیز مورد ارزیابی قرار گیرند. در پژوهش حاضر، عبارت «اصحاب ائمه علیهم السلام» متمایز از «اتباع شیعه» به کار رفته است؛ به معنای اینکه اصحاب ائمه علیهم السلام اشاره به گروه خاصی از شیعیان است که ضمن محدث و راوی بودن، از محضر مستقیم ائمه علیهم السلام نیز بهره‌مند شده باشند، در مقابل، اتابع شیعه، کلیت بدنه شیعه را مورد نظر دارد.

خطاط‌نیشان می‌شود فرضیه نخست نوشتار حاضر چنین تعریف شده است: «حضور امامان علیهم السلام،

مهاجرت گسترده شیعیان و حضور وکلای ائمه علیهم السلام در بوم‌های مختلف و نزدیکی به ساختار قدرت سیاسی، موجبات شکل‌گیری پایگاه‌های تاریخی و بوم‌های مختلف اصحاب ائمه علیهم السلام را فراهم آورده است»؛ و قسمت‌های نخست هر فصل نیز در راستای راستی‌آزمایی همین فرضیه حرکت می‌کند، به همین دلیل پس از آنکه بوم‌شهرهای مختلف شیعی از سال ۹۵ تا سال ۲۶۰ق، ارزیابی شدند، به همین دلیل در هر فصل، قسمتی به چرایی تشکیل هر بوم‌شهر می‌پردازد، که در واقع پاسخی است برای دستیابی به هدف پیش‌گفته.

در این میان تلاش شده است که تقدیم و تأخیر تاریخی در چینش بوم‌شهرهای مختلف رعایت شود؛ با این حال به یقین نمی‌توان سال خاصی را به عنوان سال شروع حرکت یک مکتب در نظر گرفت ولذا جایابی هر یک از بوم‌شهرهای شش‌گانه‌ای که در این مجموعه به آنها پرداخته شده است، به صورت تقریبی بوده است؛ در این میان مدینه قطعاً نخستین شهری است که می‌توان آن را صاحب حوزه‌ای خاص در حدیث دانست؛ کوفه نیز پس از مدینه حرکت فکری خود را آغاز کرد؛ اما برای بوم‌شهرهای بعدی زمان خاصی را نمی‌توان به صورت دقیق عنوان کرد؛ چه اینکه قم و بغداد و شهرهای مختلف خراسان و ماوراء النهر در نیمة دوم قرن دوم محل رفت‌وآمد اصحاب ائمه علیهم السلام شده بود و در ادامه جلسات علمی خود را دایر کردند. مدرسهٔ حدیثی ری نیز قطعاً پس از دیگر بوم‌شهرها محل رجوع بزرگان شیعه شده است. از این‌رو الگوی چینش هر فصل به همین ترتیب بوده است. البته باید توجه داشت که دو بوم‌شهر قم و ری به دلیل تنیدگی بیش از حد مباحث آنها با یکدیگر ذیل یک فصل بررسی و ارزیابی شده‌اند. همچنین در ادامه به بررسی فرضیه دوم یعنی «پایگاه‌های مختلف تاریخی و بوم‌های شیعی تأثیری در زمینه اصل امامت نداشته‌اند»، پرداخته شده است. در واقع خاصیت اندیشه فرامرز بودن آن است؛ چه بسیار اندیشه‌ها که در زادگاه‌های خود با اقبال مواجه نشده‌اند؛ اما کیلومترها دورتر و در جغرافیایی با مختصاتی غریب از محل تولدشان، پذیرش توده‌ها و نخبگان را به دست آورده‌اند. اساس شکل‌گیری این فرضیه نیز بر همین اصل استوار شده است؛ چه اینکه اختلافات اصحاب ائمه علیهم السلام از جنس اندیشه است و اندیشه معمولاً فارغ از محیط بوم‌شهرها و به وسیله افراد تربیت شده در مکاتب مرتبط، بسط و گسترش می‌یابد و دقیقاً به همین خاطر است که فرضیه مربوطه از عدم تناسب بوم‌شهرهای مختلف فکری اصحاب ائمه علیهم السلام با اندیشه رایج در آنها صحبت کرده است.

با این حال شاید گفته شود که عقل‌گرایی و نص‌گرایی نیز از جنس اندیشه است، پس چرا عقل‌گرایی با بوم‌های مختلف مرتبط شده؛ اما چنین تناسی در مباحث امامت نفی گردیده است؟ لازم به یادآوری است که جریان‌های عقل‌گرا و نص‌گرا بیش از آنکه بحث از محتوا را مطرح کنند، از «چگونگی فکر کردن» صحبت می‌نمایند؛ عقل‌گرایی یا نص‌گرایی شیوه اندیشیدن است در حالی که مباحث امامت اصل اندیشه است. پیداست که در بوم‌های مختلف با توجه به سیاق فکری صاحبان و بزرگان مکتب، شیوه دستیابی به محتوا متفاوت می‌شود، به معنای اینکه مکاتب با استفاده از ابزارهای خود در پی رسیدن به اهدافی یکسان هستند؛ در این راستا، عقل‌گرایی و نص‌گرایی را می‌توان از جمله اهداف، ابزار و مباحث امامت تعریف کرد.

با این حال نکته‌ای که نباید از آن تغایل ورزید اینکه اگرچه رابطه بین مباحث امامت با بوم‌های مختلف نفی شده است؛ اما روند پژوهش در تحقیق حاضر، محقق را متوجه این نکته ساخت که انواع نظریات مختلف در باب امامت، همگی از کوفه آغاز شده است و به مرور و به وسیله جریان‌های مختلف فکری و مکاتب فکری پدیدآمده در این شهر به دیگر بلاد نیز گسترش یافته است.

کوفه محل اصلی شکل‌گیری آرای مربوط به امامت است، همان‌گونه که دیگر آرای کلامی (در باب توحید، عدل، تقویض و جبر و مانند آن) نیز اول‌بار در محافل علمی مرتبط با این شهر شکل گرفتند. در این میان حوزه‌های بزرگ فکری ایران و عراق به طور شدیدی متأثر از این بوم‌شهر می‌باشند. گونه‌گونی این مدرسه بزرگ که خود به مدارس جزئی تر، تقسیم می‌شود، با هیچ بوم دیگری قابل قیاس نیست و حتی مدرسه‌های بزرگ و صاحب‌نظری مانند: بغداد، خراسان و قم در زمینه‌های مختلف و امداد و میراث خوار کوفه محسوب می‌شوند. از این‌رو شناخت جریان‌های مختلف در کوفه باید به صورت مبسوطتری با نسبت دیگر بوم‌ها تحقیق شود. همچنین نظر به اینکه معمولاً اصحابی که در مدینه رفت و آمد داشته‌اند، اصالت‌کوفی بوده‌اند و یا پایگاه اصلی آنان در کوفه قرار داشته است، لذا نظر اصحاب مدنی ائمه العلیا در زمینه امامت، ذیل فصل سوم (بوم‌شهر کوفه) توضیح داده شده است: «امامت در اندیشه اصحاب کوفی و مدنی». البته جریان‌های مختلف این شهر، اگرچه تماماً کوفی خوانده می‌شوند؛ اما بیش از آنکه به این شهر مناسب باشند، به افراد پایه‌گذار اندیشه خاص مربوط هستند، مانند: جریان‌های هشامین، جریان مفضل و غیر آنها.

در زمینه مباحث مربوط به امامت، آنچه که بیش از همه موجبات اختلاف را در بین اصحاب شیعی ائمه علیهم السلام فراهم آورد، دو موضوع علم امام و عصمت امام بوده است و به همین دلیل همین دو موضوع ذیل عنوان امامت بررسی شده‌اند؛ در واقع موضوع امامت به وسیله دو محور علم و عصمت تخصیص خورده و به باقی شئون امامت پرداخته نشده است. این دو موضوع خصوصاً از دوران امام باقر علیه السلام به بعد بحث‌های شدیدی را به وجود آورد و موجب ارائه پرسش‌های بسیاری از امامان شد. در خصوص علم امام، اصحاب، دائماً در پی یافتن پاسخی برای پرسش‌هایی بودند که بتواند حدود و غور علم ایشان را مشخص کند. اینکه منبع علم امام چیست؟ امام تنها عالم به حلال و حرام است و یا می‌تواند برای هر پرسشی، پاسخ صحیح داشته باشد؟ آیا امام عالم به علم غیب است و یا خیر؟ آیا امام در آرای خود به قیاس و رأی نیز متولّ می‌شود و اجتهاد فردی دارد یا خیر؟ علم امام در حال رشد است و یا از همان ابتدای تولد تمامی علوم در اختیار وی قرار گرفته است؟ و دیگر سؤال‌هایی مانند آن، ابهاماتی بود که ذهن صحابی ائمه علیهم السلام را به خود مشغول داشته بود.

در باب عصمت نیز سؤال‌های فراوانی وجود داشت که البته بی‌ارتباط با موضوع قبلی نبود. آیا عصمت از شئون امامت هست یا نه؟ آیا امام از هر اشتباہی مصون است و یا تنها در مباحث شرعی دارای عصمت است و در باقی مسائل نظری مسائل اجتماعی چنین مصونیتی وجود ندارد؟ عصمت مشمول امور ارادی و غیرارادی است و یا اینکه «سهوالنبو» از شئون انبیا و ائمه محسوب می‌شود؟

گفتنی است تمامی این مباحث از سوی اصحاب با شکل‌های مختلف مطرح شده و پاسخ‌های خاصی ارائه می‌گردید. نباید گمان کرد که تمامی اصحاب به واسطه ارتباط با ناحیه مقدسه امام، به یک شیوه فکر می‌کردند، موانع و دلایل متعددی وجود داشت که باعث می‌شد اخبار بعضاً متصادی از جانب ائمه علیهم السلام در جواب پرسش‌های واحد در این زمینه ارائه شود. ظرفیت‌های وجودی اصحاب، عنصر تقيه، برداشت‌های شخصی سائل از جواب امام و پیش‌فرض‌های اختصاصی هر یک از یاران ائمه علیهم السلام در طرح مبحث از جمله دلایلی بود که نتوان نظر صریح امام را در این حوزه به دست آورد.

برخلاف استفاده از عقل که به طور تقریبی می‌توان نظر خاص امامان علیهم السلام را به دست آورد، در زمینه امامت نمی‌توان چنین وحدت نظری را براساس احادیث و اخبار رسیده به دست آورد.

شواهد فراوانی از علم بی‌انتهای امامان علیهم السلام گزارش شده است، و در مقابل شواهدی نیز وجود دارد که توسط بزرگان اصحاب، اعتنایی به علم و یا نظر صریح امامان علیهم السلام نشده است. همچنین اخبار مختلفی ناظر به عصمت امام از هرگونه گناه و خطایی است و در مقابل نمونه‌هایی یافته می‌شود که از خود ائمه علیهم السلام گزارش شده، و در آنها به احتمال اشتباه ایشان تصریح شده است. با توجه به این نمونه‌ها ابتدا در دو حوزه علم امام و عصمت امام به صورت مستقل دیدگاه‌های مختلف شناسایی شده و سپس امتداد هر یک از این دیدگاه‌ها در بوم‌های اصلی شیعه پیگیری می‌شود.

فرضیه سوم کتاب نیز پس از این مورد توجه قرار گرفته است: «تضارب آراء با دیگر گروه‌های اسلامی، لزوم اجتهاد فردی و حضور گروه‌های شهری از عوامل شکل‌گیری پایگاه‌های عقل‌گرای اصحاب ائمه علیهم السلام بوده است». چنان‌که می‌دانیم دامنه اختلافات بزرگان اسلامی هم در میان شیعیان و هم در اهل سنت در زمینه میزان بهره‌گیری از عنصر عقل در فهم مفاهیم دینی –خصوصاً کلام و فقه– از همان روزگاران نخست پس از وفات پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم آغاز شد. در میان اهل سنت، عده‌ای طرفدار پیروی محض از حدیث شدند (اصحاب حدیث) و برخی دیگر با نام اهل رأی شناخته شدند و خواستار استفاده از عقل در ارائه فتاوی فقهی گردیدند. در میان شیعیان نیز همین اختلافات با گسترده‌گی فراوان وجود داشت. اگرچه در قرن‌های پس از دوران حضور ائمه علیهم السلام اندک‌اندک و با مساعی بزرگان مکتب بغداد و بعدها، تلاش اصولیون به تدریج عنصر عقل موقعیت مناسبی یافت و در این اواخر –دست‌کم در ظاهر– اخباری‌گری و نص‌گرایی صرف تقریباً از بین رفته است؛ اما در سال‌ها و دوران حضور ائمه علیهم السلام، میزان طرفداران نص‌گرایی و جریان‌های موافق آن به میزان قابل توجهی بر عقل‌گرایان برتری داشت که البته مهم‌ترین دلیل آن نیز حضور شخص امام در جامعه و عدم نیاز به استدلال‌های منطقی بود؛ چراکه امکان تحقیق مسائل از محضر امام فراهم بود.

گفتنی است هرچند در این زمان عقل‌گرایان در اقلیت بودند؛ اما در بسیاری شهرها حضوری جدی داشتند. از آن میان، گروه اندکی از فقهاء امامیه، به مکتب اصحاب رأی و عمل به قیاس گرایش داشتند؛ از جمله حسن بن علی بن ابی عقیل عمانی (م ۳۲۹ق)^۱ معاصر علی بن حسین ابن بابویه، که در کتابی به نام المتمسّک بحبل آل رسول ضمن نقل مسائل مختلف، بحث‌های اصول را از فروع جدا کرد و دیگری محمد بن احمد بن جعید اسکافی (م ۳۸۱ق)

معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) بود. وی صراحتاً به همان «اجتهاد الرأی» مطربود، گرایش داشت و قائل به قیاس بود. به همین دلیل نیز آثارش متربوک ماند. این‌گروه اندک، هرگز با اعتماد و اقبال جامعه شیعه روبرو نشدند؛ ولی هم‌سنگران متکلمشان افزون بر این توانایی، جایگاه شایسته‌ای نیز یافتند (بهشتی، ۱۳۹۱، ص ۴۹).

با اینکه نخستین زمینه‌های عقل‌گرایی در اسلام را باید در قرآن و سنت وحیانی^۲ آن جستجو کرد؛ اما نمی‌توان منکر این حقیقت شد که مؤلفه‌های بیرونی بسیاری نیز در این زمینه دخیل بوده است. گسترش اسلام و روبرو شدن با فرهنگ‌های دیگر دو تأثیر مهم در اندیشه اسلامی بر جای گذاشت: از یکسو علوم و افکار بیگانه به تدریج بر ذهنیت جامعه اسلامی اثر گذاشت و از سوی دیگر دانشمندان اسلامی را برای دفاع از مبانی دینی در مقابل ادیان و فلسفه‌های معارض برانگیخت؛ اگر خردگرایی در معتزله گاه به افراط می‌گراید آن را باید برخاسته از عامل اخیر دانست. در صورتی که سده نخست اسلامی را دوران غلبه نص‌گرایی بدانیم، باید سده دوم و سوم هجری را عصر رشد و شکوفایی عقل‌گرایی به شمار آوریم، لیکن به یاد داشته باشیم که خردباری حتی در اوج شکوفایی آن معمولاً خاستگاه اقلیت فرهیخته جامعه است و توده متدين، ایمان و تعبد دینی را بر چون و چراهای عقلی ترجیح می‌دهد (سبحانی، ۱۳۷۴).

با این حال همچنان متذکر می‌شود که رسالت اصلی این نوشتار، نه ورود به ارزش‌گذاری‌های کلامی، بلکه شناسایی تاریخی ماهیت جریان‌های کلامی است به همین دلیل به عمد تلاش شده تا به جای پرداختن به عقل‌گرایی و نص‌گرایی، جریان‌های عقل‌گرا و عقل‌گرایان و همچنین جریان‌های نص‌گرا و نص‌گرایان بررسی و مطالعه شوند. به بیان دیگر، نگاه غالب در این نوشتار، نگاهی تاریخی است و نه کلامی و به همین دلیل تحلیل تاریخی گزارش‌ها نقطه هدف قرار گرفته و نه ماهیت استدلال‌های کلامی طرفین ماجرا!!.

با این تفاسیر اگرچه بررسی معارضات دو مکتب قم و بغداد که در قرن چهارم به صورت جدی رخ داد، در حوزه این کتاب نمی‌گنجد؛ اما به اجمال باید متذکر شد که این چالش‌ها در واقع چالش در برابر دو موقعیت متفاوت جامعه شیعه بود. جامعه شیعه در اواخر دوران حیات ائمه^{علیهم السلام} نیاز به حدیث‌گرایی و جمع نمودن احادیث بیت امامت داشت تا این رهگذر بتواند بنیان‌های عقیدتی خود را بیش از پیش استوار سازد و از این‌رو در آن زمان قطعاً سیره علمای قم

روشی مناسب در این جهت بود؛ چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد، راویان قمی و رازی حرکت پیش‌رونده‌ای در زمینه نوشتن کتاب‌های حدیثی نمودند، چنان‌که مثلاً کتاب‌های متعدد شیخ صدوق مانند الفقیه و یا کتاب مفقودشده وی با نام مدینه‌العلم که کتابی در حد بحار الانوار مجلسی معرفی شده است، و یا کتاب الجامع ابن‌ولید که آن هم مفقود شده است و یا معجم بزرگ الکافی حرکتی در همین راستا بوده است؛ اما در مقابل حرکت دانشمندان بغدادی که کوشش در استباط مفاهیم فقهی و کلامی داشتند در حقیقت تلاش در زمان غیبت امام بود؛ غیتی که مهم‌ترین سلاح شیعه (یعنی شخص امام) را از وی دور کرده و امکان دسترسی به وی تقریباً غیرممکن شده بود؛ در چنین شرایطی ناگزیر باید از بهترین مفهومی که می‌شد به جای امام قرار داد، یعنی عقل و اجتهاد، بهره جست و کیان شیعه را حفظ کرد.

کوتاه سخن آنکه مجموع فضول مورد نظر، در پی رسیدن به این پرسش کلیدی و کلی است که «بوم‌های مختلف اصحاب ائمه علیهم السلام چه تأثیری بر مفاهیم امامت و عقل داشته است؟» امید است این مجموعه بتواند گامی حتی بسیار کوتاه در فهم بهتر حقیقت بردارد.

محمدعلی چلونگر، مجید صادقانی و مصطفی پیرمرادیان

فصل اول

کلیات

۱-۱. شرح و بیان مسئله

از زمان امام سجاد^{علیه السلام} تا پایان دوران حضور ائمه شیعه اثنی عشری، پایگاه‌های فکری مدینه، کوفه، قم، بغداد، ری و خراسان به عنوان پایگاه‌های اصلی نظریه پردازی شیعه خصوصاً در دو زمینه امامت و عقل شناخته شده بودند. به تبع، اصحاب ائمه^{علیهم السلام} در هر بوم، دارای اصول فکری تقریباً هماهنگ و ثابتی بودند که نشأت گرفته از مسائلی همچون قومیت شیعیان منطقه، وجود گروه‌های غیرشیعه در آن حوزه و تعامل درون‌گروهی و برون‌گروهی شیعیان با خود و دیگر فرق اسلامی بود. شناسایی این پایگاه‌ها و سپس بررسی دیدگاه‌های هر یک از آنها درباره دو موضوع امامت و عقل، موضوع اصلی این نوشتار است.

در این میان، شهر مدینه پایگاه نخستی بود که در کل جهان اسلام توانست به عنوان پایگاه ثابت فکری در زمینه‌های مختلف حدیثی، تاریخی و تفسیری اصول فکری خود را معرفی کند که دلیل آن هم وجود شخص رسول اکرم^{علیه السلام} و پس از ایشان خاندان و اصحاب ایشان است که نظرات خود را در این شهر به شاگردان خود منتقل می‌کرد. با توجه به حضور ائمه^{علیهم السلام} شیعه تا زمان امام صادق^{علیه السلام} - و مدتی در زمان امام رضا^{علیه السلام} - این پایگاه فکری تا حد زیادی در تکوین اصول کلامی و عقیدتی شیعه حائز اهمیت می‌باشد.

پس از مدینه باید به کوفه اشاره کرد. پایگاهی که اصول شیعی آن تا حد زیادی با مدینه متفاوت بود و رفته‌رفته این شهر محل تضارب آراء و وجود نحله‌های مختلف شیعه شد. از سویی شیعیان سیاسی امام علی^{علیه السلام} در آنجا حضوری بسیار پررنگ داشتند و از سوی دیگر غالیان شیعی، کوفه را محلی مناسب برای بروز عقاید خود دیدند. مخالفت اصلی با جریان

عثمانی‌گری در کوفه شکل گرفت و به این ترتیب این شهر محلی شد برای شکل‌گیری دسته‌های مختلفی از شیعیان. در واقع همین گونه‌گونی نحله‌های مختلف فکری در این شهر، کوفه را برخلاف مدینه که تقریباً نص‌گرا بود به مرکزی عقل‌گرا تبدیل کرد.

پس از کوفه باید از قم نام برد؛ شهری که به دلیل حضور قبیله عربی یمنی-اشعری در آن، به پایگاهی بسیار محکم برای شیعیان بهویژه در طول قرن‌های دوم و سوم تبدیل شده بود. مورخان نام ۸۲ رجل دینی اشعری را در این شهر ضبط کرده‌اند. اصول فکری این شهر بیشتر بر پایه حدیث‌گرایی بود. رونق این شهر نهایتاً در اوآخر قرن چهارم و در معارضه‌ای فکری که بین قم و بغداد روی داد به نفع حوزه بغداد از بین رفت تا قرن‌ها بعد دوباره احیا شود.

بغداد در این میان اگرچه بعد از پایگاه‌های فکری نام برد به وجود آمد؛ اما خصوصاً از زمان امام جواد علیهم السلام به بعد توانست مرکزیت فکری شیعیان را متوجه خود سازد؛ حضور مداوم و معنادار امامان شیعه علیهم السلام، حضور وکیل الوکلا، سفرا و حضور خاندان‌های قدرتمند شیعی مانند بنی نوبخت و بنی فرات، و همچنین تعارضات فکری-عملی بین شیعیان و گروههایی مانند معتزله و اشعریان و غیر مسلمانان، این شهر افسانه‌ای را به محلی مناسب برای بروز و ظهر جنبه‌های عقل‌گرایانه شیعی تبدیل کرد. بدون شک جریانات فکری شیعی موجود در بغداد در زمان حضور ائمه علیهم السلام یکی از مهم‌ترین حلقه‌های فکری شیعیان در تمامی دوره‌ها را شکل داده است.

افزون بر این باید به حوزه فکری خراسان و به صورت خاص نیشابور اشاره کرد که در سال‌های ابتدایی قرن سوم و به واسطه حضور صحابی معروف امام هادی علیهم السلام و امام عسکری علیهم السلام-یعنی فضل بن شاذان (م ۲۶۰ق)- مدتی به مرکز فکری شیعیان تبدیل شد. افزون بر نیشابور، از دیگر شهرهای خراسان بیهق و بلخ نیز دارای جایگاه در خوری بودند.

در پایان همچنین باید از شهر ری و اصحاب رازی منتب به آن نیز نام برد. ری به دلیل جمعیت ناهمگن موجود در آن و اینکه شهری محوری در سرزمین‌های شرقی خلافت بود و همچنین به خاطر نزدیکی به شهر قم و سکونت جمعیت قابل توجهی از شیعیان در آن توانسته بود به یکی از پایگاه‌های نسبتاً مهم شیعیان در زمان مورد نظر تبدیل شود. با این حال اگرچه به قم نزدیک بود، اما مانند قم، چندان حدیث‌گرانبود و اگرچه مانند کوفه و بغداد نیز تا آن اندازه عقل‌گرا نبود؛ اما جنبه عقل‌گرایی آن بر حدیث‌گرایی برتری داشت. گفتنی است در این مجموعه از اصطلاح، مکتب، مدرسه و حوزه به گرّات استفاده شده است.

پیش از اینکه به تعریف این واژگان پرداخته شود، متنذکر می‌شود که به‌طور عموم این سه اصطلاح در موقعیت‌های مختلف به یک معنی و مفهوم به‌کار رفته‌اند. در ادبیات فارسی، واژه مکتب به معنی «مجموع اندیشه‌ها و افکار یک استاد که در جمیع نفوذ یافته باشد یا یک نظر فلسفی و ادبی و جز اینها» (دهخدا، ذیل مکتب) استفاده می‌شود؛ اما در اینجا بیش از اینکه مکاتب با شخصیت‌ها پیوند داشته باشند، با محیط جغرافیایی که در آن آرا و اندیشه‌های مکاتب رشد و گسترش یافته‌اند، همبستگی دارد.

در حقیقت هرجا از مکتب نام برده شده است، بیشتر ناظر به محیطی است که موجبات شکل‌گیری مکتب را فراهم آورده است، در عین حال هر بوم-شهر (به عنوان مادر تشکیل‌دهنده مکاتب) می‌توانسته مدرسه‌ها یا مکتب‌ها و یا حوزه‌های فکری خردتری را شامل شود که از سوی اساتید، سازمان‌دهی و مدیریت فکری می‌شدنند.

باید توجه داشت که تشیع امامی یا اثنی‌عشری به عنوان یک کل واحد، دارای مکاتب فکری بسیار زیادی می‌باشد که تمامی آنها داعیه اتصال به خاندان علی بن ابی طالب^{علیه السلام} و ام‌گیری از اندیشه‌ها و احادیث آنان را دارند؛ اما با وجود این ریشه مشترک، بعضًا در اصول فکری و اعتقادی و روش عملی برخورد با متغیرهای اجتماعی-سیاسی و مذهبی، راه‌های متفاوتی را برگزیده‌اند که دارای تفاوت‌های ماهوی و اصولی فراوانی است (در این مجموعه به عنوان نمونه دو عامل امامت و عقل تحقیق و بررسی می‌شود).

افزون این، نوع تعامل اهل بیت^{علیهم السلام} با این رویکردهای متفاوت، می‌تواند در شناخت مکاتب فکری و شخصیت‌های برجسته هر مدرسه راه‌گشا باشد. به نظر می‌رسد القاب نکوهیده‌ای که در طول تاریخ برای بعضی از گروه‌های شیعه به کار می‌رفته است، ابتدا از سوی خود شیعیان و برای طرد و لعن گروه‌های معارض و رقیب به یکدیگر داده می‌شده است. استفاده از اتهاماتی مانند تشبیه و تجسمی و تقصیر و غلو غالباً در محیط تفکرات درون‌گروهی شیعیان مطرح شد و البته در این میانه گروه‌های رقیب اهل سنت نیز بر این تفرقه‌ها دامن می‌здند.

از سوی دیگر طبیعی است که وقتی گروهی به واسطه عدم امنیت اجتماعی از جانب حکومت یا گروه‌های فشار اجتماعی که ابزار قدرت را در دست دارند، دائم مورد هجمه و فشار باشد، ناگزیر از باب تقيه، یا انواع علل دیگر نمی‌تواند احکام واقعی و روش صحیح فکری را از رهبران خود اقتباس کند و از این‌رو به صورت پیوسته اختلافات درون‌گروهی بیشتر و بیشتر می‌شود.

البته منظور این نیست که تمامی درگیری‌های فکری و احتمالاً فیزیکی جامعه شیعه به واسطه توطئه‌های بیرونی صورت می‌پذیرفته است؛ اما به هر حال نمی‌توان منکر این واقعیت نیز شد که قدرت شیعیان به خصوص در زمان مورد بحث این پژوهش در سال‌های (۹۵-۲۶۰ق) در موضع ضعف قرار داشته است و این طایفه به لحاظ کمی در اقلیت به سر می‌برده‌اند و همین عامل باعث می‌شده تا شیعه نتواند پیوستگی خود را به عنوان یک مجموعه واحد فکری کنترل کند. بنابراین پیش از هر قضاوی باید در نظر داشت که دست کم یکی از راه‌های ورود اختلاف در بین شیعیان، خودشان بودند. بعضی از ایشان به هر دلیلی تاب تحمل هم مسلکان دگراندیش خود را نداشتند و در نتیجه به هر وسیله‌ای متمسک شدند تا رقیب را از گردونه حیات اجتماعی خارج سازند، در این راستا هر گروهی تلاش می‌کرد با ملاقات‌های حضوری و یا نامه‌نگاری، به هر نحو ممکن بیت امامت را نیز با خود همراه سازد.

احادیث فراوانی حاکی از ورود افراد نزد ائمه علیهم السلام است تا بتوانند کلامی ولو مختصر در رد و طعن رقبای فکری خود بیابند، در این زمینه معمولاً ائمه علیهم السلام از ورود به درگیری‌های فکری خودداری می‌کردند و تنها به ارائه نظر صحیح خود به گونه‌ای که موجبات جرح و خدشه رقبا فراهم نشود، می‌پرداختند. البته در مواردی مانند جریان‌های ابوالخطاب یا مفوضه و غالیان و یا افکار تقصیری، امامان به صورت صریح شخص دارنده این اعتقادات را محکوم می‌نمودند؛ اما زمانی که یکی از اصحاب یا بزرگان شیعه، در عین حالی که بر طریق حقه استوار بود، به نوعی به اشتباه فکری خاصی دچار می‌شد، سعی می‌کردند با اصلاح افکار شیعیان، شخصیت آن فرد را مخدوش نسازند؛ نمونه چنین رفتارهایی بارها در خصوص کسانی چون هشامین گزارش شده است.

گفتنی است هیبت امام معمولاً مانع از این می‌شد که افراد بتوانند آشکارا به ترور شخصیت بزرگان شیعه نزد ایشان بپردازنند؛ اما باز هم تاریخ نمونه‌هایی از این رفتارها را گزارش کرده است؛ در چنین مواردی امام یا سکوت نموده و یا به طور کلی منظمه فکری خود را -فارغ از درگیری‌های عقیدتی دیگران- توضیح می‌دادند و در مواردی نیز به صورت موردي به تفکر یا جریان فکری منتسب به افراد اشاره و موارد قصور آن را اصلاح می‌نمودند.

نکته دیگر اینکه در به وجود آمدن مکتب‌های مختلف فکری در یک فرقه اصلی بیش از آنکه اختلافات عینی موجبات انشقاق را به وجود آورند، «حس تقابل» دلیل اصلی چنین جبهه‌گیری‌هایی می‌شود. توضیح اینکه «احساس تقابل و اختلاف کردن» یک چیز است و

«وجود تقابل و اختلاف در نفس الامر» چیز دیگر. در این میان آنچه که در مناسبات درون‌گروهی فرق مختلف و از جمله تشیع زمینه ایجاد مکاتب مختلف را به وجود آورد بیشتر احساس تقابل و اختلاف کردن بود و نه اختلافات واقعی. در واقع چنان‌که اختلافات، ناشی از اختلافات واقعی باشد، بایستی بیشترین خصوصیت‌ها مثلاً بین شیعیان و مسیحیان باشد، در حالی که شاهد هستیم اختلافات شیعه و سنی و در گام بعدی اختلافات درون‌گیاهی شیعه بسیار بیشتر از اختلافات شیعیان و غیر مسلمانان است و این در واقع به خاطر آن‌چیزی که تحت عنوان «حس تقابل» بین گروه‌هایی از یک فرقه بزرگ‌تر شکل می‌گیرد.

باید توجه داشت که در این پژوهش قصد رد و اثبات دیدگاه‌های کلامی هیچ‌کدام از پایگاه‌های نامبرده را نداریم، بلکه هدف شناسایی چرایی تاریخی جهت‌گیری‌های فکری-کلامی هر یک از پایگاه‌های یادشده است؛ به همین منظور می‌بایست در قدم اول سیر تاریخی شکل‌گیری هر یک از این پایگاه‌ها و نیز اصحاب صاحبنام هر یک از این پایگاه‌ها مورد مطالعه قرار گیرد و سپس به بررسی تاریخی چرایی جهت‌گیری‌های فکری آنان در زمینه‌های عقل و امامت پرداخته شود.

۱-۲. تبیین مفاهیم کلیدی

کتاب حاضر با چند واژه مفهوم اصلی ارتباط دارد که شناخت منظور نویسنده از آنها در فهم مطالب آن تأثیرگذار خواهد بود. در ادامه به بررسی معنایی هر یک از این واژگان مفهومی اشاره می‌شود:

۱. بوم‌شناسی تاریخی (Historical Ecology): اصطلاحی زیست‌شناسی و جغرافیایی است؛ به معنای شناخت سرزمین؛ اما در جامعه‌شناسی معنایی عام‌تر می‌یابد و به شناسایی سیاسی و تاریخی می‌پردازد. این اصطلاح همچنین معنایی ماورای قوم‌شناسی دارد، چه اینکه قوم‌شناسی به شناخت قبیله‌ها و نژادها می‌پردازد (اقتباس از منتظرالقائم، ۱۳۸۸، ج، ۲، ص ۲۰۵) اما در بوم‌شناسی تاریخی، شناخت تاریخی قوم-سرزمین‌ها هدف می‌باشد؛

۲. شیعه (Shi'a): شیعه در لغت به معنی پیروان و یاران و تابعان شخص معینی است و چون شیعیان به ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و به پیروی از مکتب روحانی آن حضرت اعتقاد داشتند از این جهت ایشان را شیعه علی علیه السلام یعنی پیروان علی علیه السلام گفتند، که بعد‌ها در اثر کثرت استعمال، مضاف الیه علی علیه السلام را از آخر آن حذف کردند و معروف به شیعه شدند

(مشکور، ۱۳۷۲، ص ۲۷۰). در واقع در اصطلاح تخصصی تمام فرقه‌هایی که قائلند پس از رسول الله ﷺ، خلافت از آن امیرالمؤمنین علی‌الله‌علیه‌السلام است را شیعه می‌گویند. این گفته چندان بُعدی ندارد چراکه اولاً حادث بعد از وفات رسول الله ﷺ نشان داد که این عده و اشخاص دیگر تعلق خاصی به امیرالمؤمنین علی‌الله‌علیه‌السلام داشتند و ثانیاً در بین اصحاب نیز دیده می‌شود که اشخاصی با یکدیگر ارتباط و علاقه مخصوصی داشتند که مشابه آن را با دیگر اصحاب نداشتند. البته این نام در زمان خلافت امام علی‌الله‌علیه‌السلام شایع گردید، چنان‌که بنابر گفته برخی فرق نویسان کسانی که رأی آن حضرت را در جنگ با طلحه و زبیر پذیرفتند، شیعه نامیده شدند و آن حضرت نیز آنان را شیعیان خود می‌خوانده است. شایان ذکر است که امیرالمؤمنین علی‌الله‌علیه‌السلام در زمان خلافت خویش در خطبه‌های مختلف به طرق و انداء گوناگون، به مسئله نص رسول الله ﷺ برخلافت خود اشاره می‌کردند چنان‌که پس از شهادت ایشان، در میان قبایل عرب قبایل زیادی از جمله همدان، عبد القیس و ربیعه، قائل به احق بودن علی‌الله‌علیه‌السلام نسبت به خلافت پیامبر ﷺ بودند و این در حالی بود که در زمان جنگ صفين بیش از پنجاه نفر بر این عقیده نبوده‌اند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۸۵۷):

۳. اصحاب ائمه (Imam's companions): اصحاب جمع صاحب به معنی یار، معاشر، رفیق و ملازم است و اصحاب ائمه علیهم السلام عنوانی است برای ملازمان و راویان و شاگردان ائمه اطهار علیهم السلام که در کتب حدیث و رجال و سیره دیده می‌شود و بنابر قول صحیح افراد مسلمانی را گویند که یک یا چند امام را ملاقات کرده و بر آینین مقدس اسلام از دنیا رفته باشند (صدر حاج سیدجوادی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۰۸). اساس تقسیم‌بندی اصحاب در هر یک از بوم‌شهرهای این مجموعه بر چند نکته استوار است: نخست شهرت افراد و خاندان‌ها به یکی از این شهرهای است، مثلاً خاندان اشعری با نام شهر قم عجین شده است؛ همین طور است شهرت خاندان شاذان و شخصیت بر جسته آن فضل بن شاذان که نیشابوری بودن آنان نیازی به بررسی مجدد نیست. خاندان ابن‌بابویه نیز هم با قم و هم با ری ارتباط تاریخی دارند. خاندان نویختیان هم از فحول رؤسای علمی شهر بغداد بوده‌اند. همچنین اذاعان منابع رجالی به موطن یک صحابی -چه اینکه در آنجا به دنیا آمده باشد و چه اینکه با واژگانی مانند «نزیل» و «سكن» محل اقامتش در شهری خاص مشخص شده باشد- می‌تواند از دیگر دلایل در این زمینه باشد. افزون بر این، القابی مانند کوفی، مدنی، بغدادی، قمی، نیشابوری، رازی و یا القابی

که به یکی از خاندان‌های شهیر یکی از شهرها اشاره داشته باشد نیز راهگشای تشخیص است. خاطرنشان می‌شود در این مجموعه، واژه صحابه به معتقدان امامیه ائمه^{علیهم السلام} اطلاق گردیده و از ذکر صحابی غیرامامی (نظیر: زیدی؛ اسماعیلی و...) به جز در موارد خاص (مانند: عمار سباطی که واقعی مذهب شد) اجتناب شده است؛

۴. امامت (Imamat): از اصول مذهب تشیع است. در لغت به معنای پیشوایی و رهبری و در اصطلاح به معنای مقامی که دارنده آن ریاست امور دینی و سیاسی مسلمانان را بر عهده دارد. این مفهوم بی‌تردید محوری ترین جایگاه و نقش را در منظومة کلامی شیعه دارد. اعتقاد به نص و عصمت از یکسو و نقشی که امامیه برای جایگاه معنوی امام، یعنی مرجعیت انحصاری دینی امامان قائل بوده‌اند، می‌تواند نشانگر اهمیت این جایگاه باشد (پاکتچی و دیگران، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۱۳۷). گفتی است متکلمان شیعی، امامت را به دو صورت تعریف کرده‌اند: برخی از تعاریف عام است و شامل نبوت نیز می‌شود. مانند این تعریف که امامت را به «رهبری عمومی در مسائل دینی و دنیایی» تفسیر کرده است (میر سید شریف، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۳۴۵)؛ اما دسته دوم، تعریف‌هایی است که امامت را جانشینی پیامبر^{علیه السلام} در امور دینی و اطاعت از امام را واجب می‌دانند (حلی، ۱۳۶۵، ص ۶۶). به این ترتیب می‌توان گفت تعریف امامت به رهبری امت اسلامی در امور دینی و دنیوی به عنوان جانشین پیامبر^{علیه السلام} مورد پذیرش همه فرقه‌های شیعی است. در واقع مهم‌ترین اصل امتیاز شیعیان به نسبت دیگر گروه‌ها اعتقاد به امامت پس از نبوت است، به بیان دیگر نظریه جانشینی شیعیان امامت می‌باشد که در برابر نظریه جانشینی خلافت اهل سنت مطرح شده است؛

۵. عقل (Wisdom): معانی عقل عبارتند از: ۱. عقل نظری؛ عقل نظری آن است که انسان به وسیله آن بود و نبودها، هست و نیست‌هایی را که مربوط به طبیعت، ریاضیات، منطق و الاهیات و به طور کلی حکمت نظری است، درک می‌کند؛ ۲. عقل عملی؛ و آن در جایی است که ایمان، تصمیم، عزم و اراده مطرح باشد؛ یعنی جایی که عمل شروع می‌شود؛ ۳. عقل متعارف؛ یعنی عقلی که همه تلاش و کوشش آن برای حفظ حیات ظاهر است. عموم مردم چنین نیروی مدرک و فعلی را عقل می‌نامند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۹-۳۰ و ۳۹۷).

در اینجا منظور از عقل، قدرت درک حقایق نظری (مانند استنباطات کلامی و فقهی) و حقایق عینی (مانند احتیاجات عملی سیاسی و اجتماعی) است و منظور از اعتبار عقل، آن است که

آیا عقل بالذات قوت فهم مسائل اجتماعی، کلامی و حدیثی را دارد و یا می‌بایست تحت اعتبار وحی و سنت باشد؟ باید توجه داشت که میان آنچه امروزه از نامواژه «عقل» برداشت می‌شود، با آنچه صاحب‌نظران دوره مورد نظر (۹۵-۲۶۰ق) از این واژه برداشت می‌کردند، تفاوت ماهوی وجود دارد. در واقع واژه عقل در حدیث ائمه^{علیهم السلام} و صحابه^{رض} ایشان با آنچه از قرن چهارم به بعد از آن استنباط می‌شد، دور ویکرد کاملاً متفاوت داشت؛ در نظر گروه نخست، عقل، اجمالاً^{با} مفاهیمی مانند: امام، فهم باطنی دین، فهم قلبی و مانند آنکه درنهایت به معرفتی باطنی منجر می‌شود یکسان گرفته می‌شد؛ در حالی که در گذر اندیشه^{گروه دوم} (از قرن سوم به بعد) عقل به‌طور کلی به معنای اجتهاد فردی و قدرت استنباط احکام دینی و کلامی گرفته شده است. تشخیص این دوگانگی در تسهیل روند این تحقیق بسیار مؤثر بوده است. با توجه به اینکه اجتهاد و حرکت اصولی شیعه از زمان امام باقر^{علیه السلام} شکل گرفته است، لذا می‌توان شروع دوره عقل اجتهادی شیعه در حوزه فقه را از ابتدای قرن دوم دانست. با این حال نباید فراموش کرد که پیروان علی بن ابی طالب^{علیه السلام} به واسطه ارتباط با نظام فکری ایشان، خردورزی را از همان ابتدا جزء نظام فکری خود داشتند.

نمونه کارکرد عقل به‌عنوان برداشت نخست را می‌توان در انبوه روایاتی که کلینی (م ۳۲۹ق) در کتاب العقل خود آورده است، مشاهده کرد. با اینکه می‌دانیم کلینی از پیروان مکتب قم و ری بود که سیره عملی وی بیشتر حدیث‌گرایی است؛ اما شروع نمودن کتابش با کتاب العقل نشان‌دهنده این واقعیت است که وی از عقل آنچه را که ما برداشت می‌کیم، برداشت نمی‌کرده است. او عقل را به معنای فهم معنوی و فهم قلبی^۳ که الزاماً به وسیله امام حاصل می‌شود، دانسته است. نمونه بارز چنین موضوعی در حدیث معروف «جنود عقل و جهل» نشان داده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱). در این حدیث صد معنی به‌عنوان لشکریان عقل معرفی شده‌اند، معانی‌ای که عموماً ناظر به معرفت سری و قلبی خالص شیعی است و در مقابل هر یک از این جنود یا لشکریان، خصم آنها از لشکریان جهل که عموماً مترادف با لشکریان شیطان و نفس قرار داده شده، بیان شده است.

اما نکته مشکل‌زا از آنجا آغاز شد که در این نوشتار، منظور نویسنده از مفهوم عقل، معنی دوم آن است؛ در حالی که در دوره مورد مطالعه، نویسندهان و صحابان اندیشه معمولاً^{بر} برداشت نخست را از مفهوم عقل داشته‌اند و لذا این تفاوت یکی از نخستین معضلاتی بود که در

شناسایی جریان‌های عقل‌گرا و مخالفان آنها رخ نشان داد. در واقع نویسنده از واژه‌ای استفاده می‌کرد که عیناً همان واژه صاحب‌نظرانی بود که قصد بررسی و تحلیل آثار آنان را داشت؛ اما در این میان – با وجود مشابهت واژگانی – دو منظور کاملاً متفاوت از آن استنباط می‌شد. صاحب‌نظران و محدثان دوره مورد بحث، برای آنچه ما از آن تعییر به عقل می‌کنیم از واژگانی چون «اجتهاد» و «رأی»^۴ استفاده می‌کردند؛ اینکه شخصیتی چون هشام بن حکم در جواب پرسش امام از چگونگی استدلالش در برابر مخالفان از عبارت «شَيْءٌ أَخَذْتُهُ مِنْكَ وَ الْفَتْهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۱۶) (یعنی: مواردی که از شما آموخته‌ام و آنها را با منطق خود فربه کرده‌ام) استفاده می‌کند و اصلاً نامی از عقل نمی‌برد در حالی که دقیقاً منظور وی خردورزی و عقلانیت بوده، نمونه‌ای از همین تفاوت است.

لازم به یادآوری است که درنهایت برداشت امروزی از واژه عقل در دورانی پس از غیبت صغیری و با تلاش‌های شخصیت‌های معروف مکتب بغداد یعنی شیخ مفید (م ۴۱۳ق) و خصوصاً شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) و سید مرتضی (م ۴۳۶ق) رواج پیدا کرد. در این برهه حساس، شیعیان نیاز داشتند تا مبانی فکری‌عقیدتی خود را در قالب استدلال‌های کلامی و طبق سنت‌های رقبای سنتی خود ارائه نمایند؛ دلیل این امر هم مشخص بود: جامعه شیعه رهبر الهی خود را در دسترس نداشت و نمی‌توانست کمافی السالق معضلات خود را برابر امام حاضر ارائه و کسب تکلیف نماید، لذا متوجه مفهومی شد که تا کنون به خاطر وجود نص حدیث امام کمتر از آن بهره می‌جست: عقل.^۵

۱-۳. پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

در باب تاریخ کلام شیعه امامیه، تا کنون کتاب‌ها و رساله‌های چندی نگاشته شده و هر کدام به بخشی از موضوع اشاره داشته است؛ خصوصاً در سال‌های اخیر، جریان عالمانه و نقادانه‌ای سعی کرده تا به بازخوانی و تحلیل و نقد افکار و اندیشه‌های مکاتب متعدد شیعه در سده‌های نخست پردازد تا این رهگذر بتواند بنای رفیع اندیشه کلامی شیعه را با توجه به نیازهای روز، بازسازی و بازگری نماید. در این میان هم اندیشمندان شیعی و هم مستشرقین تأملات مطلوبی در این زمینه داشته‌اند که خاصه در موضوع نوشتار حاضر می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت. نیومن (۱۳۸۶): این کتاب تقریباً به بازخوانی مکاتب مختلف فکری شیعه می‌پردازد؛

اما در زمانی غیر از زمان مورد نظر این پژوهش. در واقع آندره نیومن با استفاده از متون حدیثی کلاسیک شیعه مکاتب عمده حدیثی-کلامی (خصوصاً قم و بغداد) را مورد تدقیق و تحقیق جدی قرار می‌دهد و از این رهگذر مسائلی مانند عقل و امامت را نیز بررسی می‌کند. با این حال زمان مورد نظر وی، قرن‌های چهار و پنجم می‌باشد، یعنی زمانی که کلام شیعه شکل نظامیافته‌ای به خود گرفته بود.

جباری (۱۳۸۲): ایشان در دو مقاله پیوسته که در فصلنامه شیعه‌شناسی منتشر شده است، به بررسی برخی پایگاه‌های حدیثی شیعه در زمانی مورد نظر پرداخته است. مقالات مورد نظر اگرچه به صورت دقیق حوزه‌های مدینه، قم و کوفه را در نظر دارد؛ اما به بررسی نظام فکری آنان پرداخته و تنها به معرفی بزرگان هر یک از مکاتب مورد نظر اشاره کرده است.

جباری (۱۳۷۹): با توجه به اینکه حوزه تاریخی مطالعات این مقاله فراتر از موضوع این پژوهش می‌باشد، تنها از چهار صفحه ابتدایی آن می‌توان استفاده کرد. در این نوشتار نگارنده تلاش دارد چگونگی شکل‌گیری تاریخی حوزه‌های حدیثی شیعه را بررسی نماید.

شفیعی (۱۳۸۷): در این مقاله به بازنگری در اسلوب کلی و ضوابط حدیثی-کلامی مکتب کوفه می‌پردازد. منازعات کلامی و ارتباطات این حوزه با حوزه‌های دیگری حدیثی شیعی و غیرشیعی از جمله موضوعات مطرح شده در این مقاله می‌باشد که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

معارف (۱۳۹۲): حدود ۲۰ صفحه از این کتاب به بررسی اجمالی پایگاه‌های حدیثی شیعه در قرن‌های اولیه اشاره شده است. همچنین به زندگی برخی اصحاب کلامی و حدیثی ائمه علیهم السلام نیز اشاره شده است.

مدرسى طباطبائی (۱۳۸۹): اگرچه در این کتاب به صورت مشخص به موضوع مورد نظر این پژوهش نپرداخته است؛ اما در خلال بحث‌های مختلف این کتاب، می‌توان تحلیل‌های جدیدی از اختلافات اصحاب ائمه در موضوعات امامت و عقل به دست آورد. نگاه مدرسی در این زمینه نگاه خاصی است که با نقدها و ردیه‌های فراوانی مواجه شده است، با این حال نمی‌توان منکر این مسئله شد که ایشان در کتاب خود توانسته است فتح بابی نو در بررسی موضوعات کلیدی تشیع و از جمله امامت و عقل نماید.

غلامعلی (۱۳۹۳): این کتاب به بررسی، نقد و تحلیل پایگاه حدیثی خراسان و به صورت خاص ماوراءالنهر و بلخ می‌پردازد و کارکردهای محدثان شیعه را در این منطقه ارزیابی می‌کند.

مؤلف این مجموعه تلاش کرده است، ابتدا محدثان مطرح این حوزه حدیثی را معرفی نماید و سپس به اصول فکری آن پردازد و در نهایت روابط این حوزه را با حوزه‌های دیگر تدقیق کند.
شرفی (۱۳۸۹): مؤلف در این مقاله نیشابور را به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز حدیثی مورد پژوهش قرار داده است و طی آن محدثان و مؤلفه‌های این حوزه را تا قرن هفتم از دیدگاه هر دو طایفهٔ شیعه و سنی بررسی کرده است.

جعفریان (۱۳۶۸): این کتاب بیشتر به مسئلهٔ چگونگی نشر حدیث و مشکلات آن در زمان ائمه^{علیهم السلام} می‌پردازد و به مسائل دیگری مانند منع نقل حدیث و چرایی آن و تفاوت‌های حدیثی می‌پردازد.

فیروزمندی بنده‌پی (۱۳۸۹): شناخت و بررسی مکتب حدیثی ری به عنوان یک مدرسهٔ مهم حدیثی شیعی، آغاز ورود حدیث و راویان شیعه به آنها و بررسی زمینه‌های رونق و تطور حدیث در این مکتب، از جمله مسائل مهم در علم حدیث به شمار می‌رود. نگارنده در فصل نخست، جغرافیا و شاخصه‌های فرهنگی-سیاسی ری را بررسی و در فصل دوم مفاخر و مشاهیر مکتب ری و راویان و محدثان را معرفی می‌کند. مهم‌ترین تألیفات مکتب ری و اندیشه‌ها و نگرش‌های حدیثی مکتب ری، مباحث فصل‌های سوم و چهارم را دربرمی‌گیرد و فصل پنجم به تحلیل ارتباط و تعامل این مکتب با مکتب بغداد اختصاص دارد.

گرامی (۱۳۹۱): پژوهش مورد نظر به بازخوانی اندیشه جریان‌های نخستین امامیه و مفهوم آن پرداخته و معتقد است که این مفهوم در دوره متقدم امامیه سیال بوده است و انگاشتن گزاره‌های غلو مربوط به این دوره به عنوان گزارش‌هایی قاطع و با ثبات می‌تواند به ارائه تحلیل نادرست از تاریخ متقدم امامیه منجر شود. بنابراین، «نخستین مناسبات فکری تشیع» با موضوع بازخوانی مفهوم غلو در اندیشه جریان‌های متقدم امامی همچنین نشان می‌دهد بسیاری از تقابل‌های درون امامیه، ناظر به اختلافاتی بسیار محدودتر و کوچک‌تر از آن چیزی است که تصور شده است؛ اختلافاتی که به تدریج کاسته شده و سرانجام با مجاهدت علمای شیعه حذف شده است.

این کتاب از پنج فصل تشکیل شده است: در فصل نخست با عنوان «کلیات» نگارنده در مورد پیشینه تحقیق، پرسش‌های تأییف و فرضیه‌ها، ضرورت تأییف، روش تأییف، بررسی معانی لغوی و اصطلاحی غلو، انحرافات غلات، رمز موفقیت غلات در ترویج آموزه‌های خود،

الگوی مؤلفه‌ای مفهوم غلو، مبنای پی‌جويی عقاید امامیان متقدم در مصادر اولیه و نیز مقوله تاریخ اندیشه به بحث پرداخته است؛

در فصل دوم با عنوان «نگاهی به گرایش‌های غالیانه در سده نخست هجری» نویسنده در مورد خاستگاه اندیشه‌های غلوآمیز، اندیشه‌های غلوآمیز در حیات رسول خدا علیه السلام؛ وفات رسول خدا علیه السلام و شکل‌گیری اعتقادات غالیانه، شکل‌گیری رهیافت‌های غلوآمیز در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام، زمینه مساعد عراق و کوفه برای ایجاد فرقه‌ها و جریان‌های غالی، نقش فعال عبدالله بن سبأ در پایه‌گذاری پندارهای غلوآمیز، ماجراهی غلو‌زطیان درباره امیرالمؤمنین علیه السلام و اندیشه‌های غلوآمیز پس از امیرالمؤمنین علیه السلام تا زمان حضرت باقر علیه السلام بحث کرده است؛

در فصل سوم با عنوان «درآمدی بر شناسایی جریان‌های امامیه در پنج سده نخست هجری» نگارنده درباره مفهوم جریان، جریان‌شناسی و جریان‌سازی، متداول‌وزی جریان‌شناسی، دورنمای جریان‌های امامیه در پنج سده نخست هجری، جریان‌های امامیه در عراق و جریان‌های امامی در ایران بحث کرده و در فصل چهارم با عنوان «پی‌جويی اندیشه جریان‌های نخستین امامیه درباره مؤلفه‌های مفهوم غلو» نیز موضوعاتی چون علم امام، اعتقادات تفویضی و ربوبی، مکاتب امامی ایران، عالم ذر و اظله و عصمت و سهوالنبی را بررسی کرده است؛ همچنین فصل پنجم این کتاب با عنوان «الگوی مؤلفه‌ای مفهوم غلو و تأثیر آن در مطالعات اسلامی» به نقد دیدگاه کلاسیک درباره مفهوم غلو و برتری الگوی مؤلفه‌ای و تأثیر الگوی مؤلفه‌ای در مطالعات اسلامی اختصاص یافته است.

امیرمعزی (۱۳۸۶)؛ این کتاب نخستین نوشته دکتر محمدعلی امیرمعزی و از مهم‌ترین آثار مهم شیعه‌شناسی در غرب به شمار می‌رود. امیرمعزی در این کتاب با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی به شناخت گوهر و ذات تشیع امامی از طریق مراجعه به آثار اصیل و نخستین امامیه (به‌طور خاص، کتب روایی) پرداخته است. از نظر وی گوهر تشیع، «نظریه امامت» و به‌طور خاص، تفسیر باطنی از این نظریه است. به نظر وی به دلیل تقيه اصحاب امامیه بهترین راه برای رسیدن به اندیشه‌های باطنی امامان، مراجعه به اندیشه‌ها و تعالیم باطنی غالیان است. در مجموع به نظر می‌رسد نظریه امیرمعزی در مواردی مانند اثبات باطن‌گرایی امامیه، مبهم است. با این همه، اشکال عمدۀ این اثر یکی دانستن تعالیم ائمه علیهم السلام و غالیان است؛ این ادعا شواهد نقض فراوانی دارد.

اما افزون بر موارد پیش‌گفته، هم‌زمان با صفحه‌آرایی این کتاب برای چاپ و نشر، چند مجموعهٔ تألیفی دیگر نیز به محافل علمی معرفی شد، کتاب‌ها و مجموعه‌هایی که به نوعی با موضوع این کتاب ارتباط‌هایی داشتند؛ اما به علت اتمام کار پژوهشی حاضر، امکان استفاده از آنها فراهم نشد. از مهم‌ترین این کتاب‌های تازه منتشرشده، مجموع مقالات سه‌گانه‌ای بود که زیر نظر محمدتقی سبحانی (در سال ۱۳۹۶) عرضه گردید و هر کدام به صورت مستقل حوزه‌های کلامی کوفه، بغداد و قم را مورد واکاوی و پژوهش قرار داده بود.

این مجموعه که با نام «جستارهایی در مدرسهٔ کلامی کوفه»، «جستارهایی در مدرسهٔ کلامی بغداد» و «جستارهایی در مدرسهٔ کلامی قم» و توسط انتشارات مؤسسهٔ دارالحدیث به پژوهشگران معرفی شده است، در واقع حاوی مقالات برگزیده‌ای است که از سوی جمعی از پژوهشگران تألیف شده و در هر یک از این کتاب‌ها جمع‌آوری شده است. هر یک از این مقالات که البته بعضی از آنها پیشتر در جای‌های دیگر نیز عرضه شده است، به معرفی هر یک از این مکتب‌ها، معرفی اندیشوران معتبر و مشهور آنها، جریان‌های مهم شناسایی شده در آنها و موضوعات و مقولاتی از این دست اختصاص یافته است. لازم به یادآوری است که اگرچه هر کدام از مقالات توسط نویسنده‌ای مستقل تألیف شده است؛ اما همچنان فصل‌بندی‌های آنها، نشان از ارتباط موضوعی مقالات با هم دارد.

کتاب دیگری که آن هم در سال ۱۳۹۶ منتشر شد و از بروندادهای علمی مؤسسهٔ دارالحدیث می‌باشد، از نگاشته‌های رسول رضوی تحت عنوان تاریخ کلام امامیه: حوزه‌ها و جریان‌های کلامی است. این کتاب تلاش دارد تا گزارشی از چگونگی پیدایش علم اعتقادات شیعی و جریان‌های مختلف آن و معرفی مراکز و حوزه‌های علمی کلام امامیه در جوامع اسلامی و یافتن سیر منضبط و تاریخ‌مند آنها ارائه نماید. شناخت حوزه‌های یاد شده، مستلزم معرفی مسائل اعتقادی مطرح در این حوزه‌ها، بزرگان و صاحب‌نظران و همچنین تألفات آنان در عرصه علوم اعتقادی است. از این‌رو، این کتاب سعی کرده است تا ضمن ارائه خلاصه‌ای از چگونگی پیدایش حوزه‌ها و مکاتب علمی امامیه، مسائل، دانشمندان و جریان‌های موجود در آن حوزه‌ها را معرفی کند و به دسته‌بندی ویژگی‌های هر یک از آنها بپردازد. با این حال تنها فصل‌های دوم تا ششم کتاب – از مجموع شانزده فصل – با کتاب حاضر ارتباط معنایی دارد. همچنین است کتاب معنا و منزلت عقل در کلام امامیه که توسط محمدجعفر رضایی

نگاشته شده است و بیش از آنکه رویکردی تاریخی داشته باشد، به مسئله عقل از نگاه کلامی می‌پردازد. این کتاب در چهار فصل تألیف شده است. افزون بر این موارد همچنین می‌توان به کتابی که در سال ۱۳۹۵ توسط انتشارات بوستان کتاب و تحت عنوان کرانه‌های عقل و معنا منتشر شد و همچنین کتاب نقد و بررسی نظریه تطور تاریخی تشیع که زیر نظر مجمع عالی حکمت اسلامی در ۱۳۹۵ انتشار یافت اشاره کرد.

افزون بر موارد یادشده آقای محمد صفر جبرئیلی نیز کتاب‌هایی در این زمینه تألیف کرده است که یکی از مهم‌ترین آنها تاریخ و اندیشه‌های کلامی مذاهب اسلامی است که در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است. مؤلف در بخش‌هایی از این کتاب نیز به موضوعات مشابهی پرداخته است. با این حال رویکرد اصلی کتاب، اندیشه‌های کلامی اهل سنت را شامل می‌شود؛ چه اینکه مبنای تألیف آن به سفارش شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت بوده است.

۱-۴. معرفی و نقد منابع

ارجاعات و منابع اصلی مورد استفاده در اینجا غالباً کتاب‌هایی رجالی و حدیثی می‌باشد؛ با این حال تلاش بر آن بوده است که به جای استفاده‌های کلامی، برداشت‌های تاریخی از روایات موجود در این کتاب‌های مدنظر قرار گیرد. بهویژه کتاب‌های رجالی و از میان آنها از رجال کشی در این زمینه بهره فراوانی برده شده است. مضاف بر آن کتاب الکافی نیز حاوی روایاتی است که به خوبی می‌تواند بیانگر جریانات گونه‌گون فکری در سده‌های اولیه تاریخ اسلام و تشیع باشد. بر همین اساس مهم‌ترین مراجعی که در این کتاب از آنها استفاده شده است در سه حوزه حدیثی، اعتقادی و تاریخی ارائه می‌شود. همچنان متذکر می‌شود این تقسیم‌بندی به صورت مطلق نیست، به طور مثال اگرچه معمولاً رجال کشی را باید در عدد کتب حدیثی طبقه‌بندی کرد؛ اما قطعاً ارزش تاریخی آن اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست.

۱-۴-۱. تواریخ عمومی

منظور تواریخی است که به سیر تاریخ از ابتدای زمان مؤلف می‌پردازد. به طور معمول عالم در نظر مورخان تواریخ عمومی بیشتر عالم ایرانی و اسلامی یا عالمیست که روایت‌های ایرانی و اسلامی بدانها توجه دارد. به عنوان مثال در این عالم یونان، روم، چین، ماقچین و هند پیش از